یادداشت

بازخوانی دگردیسی بنیان‌های تجارت در ایران

رقیه عطایی . کارشناس کسب‌وکار

● با وجود تحریم‌های دهه‌های گذشته، ایران همچنان نقش انکارناپذیری در مسیر مبادلات جهانی و ترانزیت کالا ایفا می‌کند. ازاین‌رو در سال «جهش تولید» وزارت صنعت، معدن و تجارت رویکرد جدی‌تری را در قبال ایجاد، تقویت و توسعه زیرساخت‌های تجاری کشور در پیش گرفته است. آن چنان که معاون وزیر و رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران به‌عنوان متولی تجارت خارجی کشور، شناسایی کلوگاه‌های داخلی و تمرکز بر سه نقطه مرزها، مراکز تولید و بنادر برای اختصاص بودجه به توسعه و تقویت زیرساخت‌ها در راستای توسعه صادرات غیرنفتی را مورد توجه ویژه قرار داده است.

در این نوشتار با بازخوانی تحولات تجارت و ایجاد زیرساخت‌ها از ابتدا تا دوره اسلام و پایان دوره ساسانی، درمی‌یابیم که آنها از تاریخ تجارت، همواره توجه به زیرساخت‌ها، یک اولویت بوده و به‌هیچ‌عنوان موضوع جدیدی نیست.

براساس اسناد تاریخی، شبکه راه‌های خشکی و دریایی در ایران که از ابتدا شاهراه میان شرق و غرب بوده است، از قرن‌ها پیش از اهمیت چشمگیری برخوردار بود. در هزاره نخست پیش از میلاد، ایران به دلیل نبوت معدنی، ازجمله طلا، مس و قلع و درعین‌حال به‌عنوان معبری برای گذر سرب از ارمنستان به بین‌النهرین و لاجورد از بدخشان، مرکز توجه دولت‌های نیرومند ازجمله آشور شد.

حدود ۹ هزار سال پیش از میلاد، برای نخستین بار، انسان حاور نزدیک، با محوریت ایران وارد مرحله تولید و اقتصاد کشاورزی و دامداری می‌شود و به‌تدریج توسعه تجارت، یعنی به‌وجودآمدن مازاد تولید و نیاز به مبادله آن با کالاهای دیگر را تجربه می‌کند.

البته داستان پرفراز‌ونشیب تجارت پیش‌تر از آغاز شده بود. گواه آن نیز وجود بقایای صدف‌ها و جانوران صوفی خلیج فارس بود که ساکنان سیلک در ابتدای هزاره نخست به‌عنوان زینت به کار می‌بردند.

سیلک، به‌عنوان قدیمی‌ترین محل سکونت شناخته‌شده در دشت میزبان نخستین خلاقیت تکنولوژیکی بشر در اواخر دوره نوسنگی بود که در تولید یک ارزش به نام طرح سفال منقوش و در حدود ۶۵۰۰ ق.م رسم نقوش هندسی به بالندگی صنعت سفال منجر شد. به‌دست‌آمدن تعداد درخورتوجه دوک از گل رس پخته یا سنگ ساخته‌شده از این منطقه نیز نشان‌دهنده آشنایی انسان با مبادی صنعت نساجی است.

در هزاره چهارم ق.م که به عصر فرانوسنگی شهرت دارد، تجارت توسعه بیشتری یافت. مبادلات متداول شد و هرچه بیشتر تولید می‌کرد، وجه رایج مورد استفاده در این مبادلات بود.

استفاده روزافزون از وجه‌ستاندارنی تدریجی تجارت جهان از اسپانیا تا چین جنبشی تجاری را پدید آورد که ایران درآن‌میان، هرچند از مرزهای آبی بی‌بهره بود؛ اما در مبادلاتی که تا حدود فرانسه و انگلستان امروزی از یک سو و هند و آسیای مرکزی و چین از سوی دیگر انجام می‌شد، نقش فعال داشت تا اینکه با وحدت آسیای غربی تحت لوای هخامنشیان، تکوین ارتباط میان بخش‌های مختلف این امپراتوری فراخ از راه دریا و خشکی، دستگاه متعادل مالیاتی و فراوانی طلا در خزانه مانند پشتوانه دولت، به‌عنوان سازوهای نیرومند انگیزه بی‌سابقه‌ای برای حاکمان تجارت ایران به ارمغان آوردند.

در اقتصاد عصر هخامنشی، برای نخستین بار ملمی مانند بابل و یونان با یکدیگر ارتباط تجاری برقرار کردند و جنوب اروپا پیوند اقتصادی محکمی با آسیای غربی آغاز کرد. ازاین‌رو به ایجاد جاده‌ها و کنترل مسیرهای آب که یکی از مقاصد اصلی در جاه‌طلبی کالا بود، همت گماردند. ساختمان جاده در این دوران به همان نسبت که بر اهمیت می‌افزود، سرعت تراپری را نیز افزایش می‌داد. برخی جاده‌ها سنگفرش بودند و در برخی مسیرها، راهی ریل‌مانند برای عبور وسایل نقلیه چرخ‌دار تعبیه کرده بودند.

تجارت خارجی ایران در قرون ۵ و ۴ پیش از میلاد را از این منظر درخورتوجه است که به جای خریدوفروش اجناسی ازمبادی ایران پیشین، کالاهای اساسی با ارزان مورد استفاده روزمره مردم داد‌وستد می‌شد.

دولت در قسمت‌های مختلف امپراتوری دست به اقدام‌هایی می‌زد تا توان تولیدی را بیش‌ازپیش شکوفا کند. یکی از برجسته‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران کشاورزی بود که نیاز به پشتیبانی بیشتر و تقویت زیرساخت داشت. نوعی درخت وحشی و هم‌جنس نخستین درختان زیست‌بوم ایران که به حلب رفت و کاشته شد. آن‌گاه نجار و مصر و بزنج را به بین‌النهرین بردند. داریوش که خود دوستدار کاشت درختان بود، در نامه‌ای به فرماندار گداتس (شهری در غرب آسیای صغیر) نوشت: «من از نیت شما در بهبودبخشیدن کشورم به وسیله انتقال و کاشت درختان مبوه‌دار در آن سوی فرات در برخی علتی آسیا تقدیر می‌کنم». این مکاتبه نشان‌دهنده سیاست اقتصادی دولت ایران برای گسترش حداکثری کشت گیاهانی است که وجود آنها نیز زنگی ایجاد شاخه‌شاخه تأثیر مثبت می‌گذاشت. یورش زنبور عسل رایج بود؛ به‌ویژه‌اینکه عسل به جای شکر کاربرد داشت.

با توسعه روزافزون تعاملات تجاری و ویرایوبی ملت‌ها، راه‌های مواصلاتی و جاده‌های ایران به‌عنوان زیرساخت‌های اصلی تجارت و تراپری در عصر حکمرانی سلوکیان توسعه یافت. از دریای سرخ تا هند ایستگاه‌های نظامی برای محافظت از امنیت جاده‌ها ایجاد شده بود. در دهه‌های پایانی آنبار و کاروان‌سرا بنا شده بود. سرعت ارتباطات و حمل‌ونقل در این زمان به عالی‌ترین درجه خود رسید؛ به‌گونه‌ای که جریان اخترای مناسب بخار هیچ دوره‌ای با آن نمی‌تواند رقابت کند.

برخلاف دوره هخامنشی، در زمان سلوکیان، از حجم تجارت ازپیش‌فروشی‌ها کاسته شد و اشیای تجارت جای آن را گرفت. فراوانی مواد اولیه برخی محصولات سبب توسعه صنعت به‌ویژه نساجی، قالی‌بافی و قلمزنی شد. در این زمان ایران صادرکننده البسه، زیورآلات، دارو، سنگ‌های گران‌بها، فرش، نذر کندم، سرب و سنگ‌های اصیل بود.

نخستین جنبش تنبیه داخلی و کاهش واردات، با توجه به اینکه اقتصاد هنوز با شکل امروزی خود فاصله داشت، تلاش برای کاهش واردات و استفاده از ظرفیت‌های داخلی برای تولید محصولی به جای پایبوس بود که در آن زمان در انحصار مصر بود. در زمان حکمرانی آسیا سلوکی، ایرانیان درصدد برآمدند تا با استفاده از گیاهان محلی نمونه داخلی پایبوس را تولید یا اینکه بوست را جایگزین آن کنند.

پس از سلوکیان، بارت‌ها با درک اهمیت جایگاه ایران، به‌عنوان شاهراه شرق و غرب، مسیر جاده‌های بیابانی را علاوه بر جاده‌های آب کاروان‌سرا به ایستگاه‌های آب بدکی مجهز کردند. همچنین اسدای مبنی بر وجود پلیس مسیرها بیان کشف شده و ازاین‌رو مالیاتی که از ترانزیت کالا به دست می‌آمد، مهم‌ترین منبع درآمد دولت سلوکی بود.

ادامه در صفحه ۹

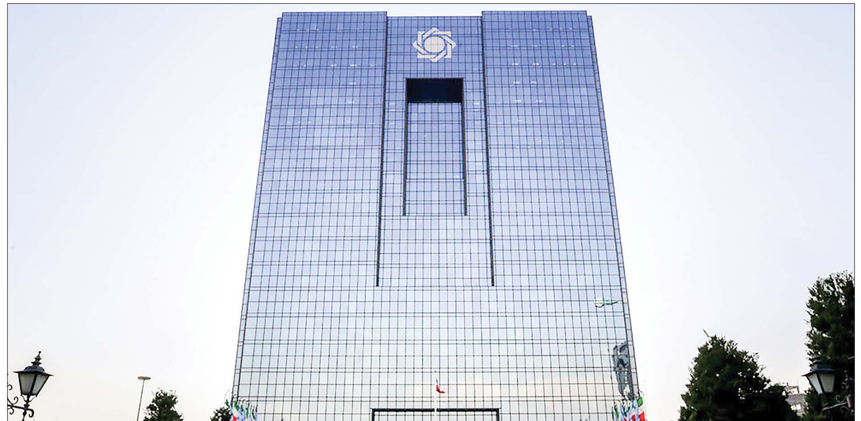

«شرق» ماجرای زدوبندهای مؤسسات مالی و اعتباری برای تخصیص‌های کلان را بررسی می‌کند

منظومه روابط خاص دانه‌درشت‌ها در نظام بانکی

مهفام سلیمان‌بیگی

امید اسدبیگی، مدیرعامل شرکت کشت‌وصنعت هفت‌تپه با دریافت یک‌نوبم میلیارد دلار، از شبکه بانکی نام خود را در لیست داده‌درشت‌ها ثبت کرد. در داداده مدیران هفت‌تپه در حالی از یک‌نوبم میلیارد ارز برادرفته سخن گفته می‌شود که کرفتن یک وام پنج میلیون‌تومانی برای فردی عادی، مصائب بسیار دارد. البته راه‌های رسیدن به ارقام میلیاردی زیاد است. درمتن کیفرخواست می‌بینیم بالغ‌بر دو میلیون و ۵۰۰ هزار درهم امارات و ۵۰ هزار دلار به یکی از مسئولان سابق بانک مرکزی رشوه داده شده است. البته نام‌های آشنای دیگری هم در این پرونده متهم شده‌اند. حدود دو دهه است که هر روز اسامی جدیدی از چاه فساد بانکی بیرون کشیده می‌شود. سپس کار به داداگاه می‌کشد. تیتر رسانه‌ها شده و اسامی آشنا توجه‌ها را به خود جلب می‌کند و بعد از مدتی با رونمایی از فسادی بزرگ‌تر فراموش می‌شود. شبکه بانکی کلوکاه فساد در کشور شده و کویی کوشمان به شبنمی مبلغ هنکفت فساد در بخش‌های مختلف از تخصیص ارز کرفته تا تسهیلات و فاینانس‌ها عادت کرده است. اگر از پرونده‌های متعددی که در سال‌های اخیر برای دریافت‌کنندکان ارز دولتی با مبالغ عجیب‌وغریب ایجاد شده است بکذریم، تازه می‌رسیم به دو دهه تسهیلات‌دهی بی‌ضابطه و رفاقتی. اولین فساد مالی که رسانه‌ای شد مربوط به دورانی است که می‌شد با ۱۷ هزار تومان ماشین خرید؛ بعضی ۱۲۳ میلیارد تومانی فاضل خداداد و مرتضی رفیق‌دوست برادر محسن رفیق‌دوست در سال ۷۰ اتفاق دهند بود. آن زمان هنوز سال‌های جامعه ایران با حکم‌مرسوم نبود که مطالبات بانک‌ها چندین سروکردن از سرمایه‌ها بیشتر باشد یا اینکه شنیده شود ابیدهکاران بانک‌ها سیاست‌های بانکی، سیاست‌های تعاونی و اعتباری و... اعمال نفوذ کنند. اوکجری این فساد‌ها به سال‌هایی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ برمی‌کرد. دوران ریاست‌جمهوری کسی که از اینا شعار مبارزه با فساد در شبکه بانکی می‌داد اسمش ابیدهکاران بانکی‌اش را هیچ‌وقت از جیبش بیرون نکشید هیچ. حجم معوقات بانکی را چندبرابر آنچه تحویل کرفته بود، تحویل داد. در سال‌های اخیر از پوسیان‌ها، نماینده مجلس شنیدیم که ظاهرا فردی ۳۰ هزار میلیارد تومان به شبکه بانکی داده است. سال ۹۵ هم وزیر اقتصاد با اشاره به فهرستی از ابیدهکاران بانکی گفت: «اشتباه نکنید! در لیست بدهکاران بانکی آقای باباک زنجانی (با سه‌برابر بدهی‌اش دلار بدهی) حضور ندارند». او همچنین به کسی که یکی از بدهکاران بزرگی اشاره کرد که هشت هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به شبکه بانکی بدهی دارد؛ درحالی‌که نه وثیقه کافی ارائه داده و نه کل دارایی‌اش کفش بازپرداخت این مبلغ را داشت. از اولین نفرات فهرستی که بانک مرکزی از ابیدهکاران خود ساخته بود و بیش از ۵۰۰ شخصیت حقیقی و حقوقی را شامل می‌شد، می‌توان به امیرمنصور آریا و بدهی سه‌هزارمیلیارد آن در سال ۸۶ اشاره کرد. البته این ماجرا زمانی بود که هنوز اسامی‌ای مانند حسین هدایتی، ریخته‌کران و جهانبانی در پرونده هشت هزارمیلیاردی بانک سرمایه یا رسول دانیال‌زاده و بیش از ۸۶ و رسمی‌صفا با حدود هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی‌اش به کوش نخورده بود. در دهه ۹۰ در شبکه بانکی با عجایبی جدیدتر مواجه شدیم: از بانک ملت که برای ارائه ۲۲۰ میلیون درهم تسهیلات حتی کپی شناسنامه هم از فلاحتیان نگرفته بود تا بانک اقتصاد نوین که به‌دکهای سه‌هزار و ۲۰۰ میلیاردتومانی داشت؛ درحالی‌که کل موجودی سرمایه بانک فقط هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان بود! اینها همه در حالی است که اکبرپاری دریافت وام حاتمی را مبلغ اندک به بانک‌ها مراجعه کرده باشد. می‌دانید که فرایند دریافت تسهیلات برای مردم عادی شکستن کردن رستم است؛ دشوار، زمان‌بر و همراه با ضمانت‌های سخت‌کیرانه. مدارکی که از شما طلب می‌شود و به عبارت بهتر موانعی که پیش پایتان می‌کذارند یکی، دوتا نیست. دست‌آخر هم در جورکردن موارد درخواستی بانک درمانده شده و راهی جز خواهش و تمنا از مسئولان بانک برایتان نمی‌ماند. فقط یک جمله می‌شنوید «شرمنده‌ام، بدون این مدارک کاری از ما ساخته نیست!». اما کمی آن‌طرف‌تر که خیلی هم دور نیست، افرادی بدون ارائه هیچ‌کونه وثیقه و ضمانت‌نامه لازم‌الاجرائی فقط با یک امضای دستی رئیس شعبه حاضر دارایی میلیاردی می‌شوند که قرار هم نیست هرکز به بانک بازکردانده شود. پای رابطه و رفاقت که به میان می‌آید، نه‌تنها بدون مدارک کارا از دست خیلی‌ها برمی‌کیرد. بلکه مبالغ میلیارد تومانی اصلا قابلی هم ندارد. اکنون درحالی‌که شاخص نسبت مطالبات غیرجاری متوسط دنیا چهاردرصد است، مطابق با کزارش آذرماه سال ۹۸ بانک مرکزی، شاخص مذکور در اقتصاد ما حدود چهار برابر این متوسط بین‌المللی است که این مقدار برای برهم‌زدن تعادل در تمامی بازارهای موجود در کشور کفایت می‌کند. آزنجاکه بانک‌ها در سال‌های کذشته منظومه‌ای پیچیده از روابط را ایجاد کرده‌اند و به نظر می‌رسد بحران سازوکار فساد برایتان آنچه تحویل کرفته بود، تحویل داد. در سال‌های اخیر از پوسیان‌ها، نماینده مجلس شنیدیم که ظاهرا فردی ۳۰ هزار میلیارد تومان به شبکه بانکی داده است. سال ۹۵ هم وزیر اقتصاد با اشاره به فهرستی از ابیدهکاران بانکی گفت: «اشتباه نکنید! در لیست بدهکاران بانکی آقای باباک زنجانی (با سه‌برابر بدهی‌اش دلار بدهی) حضور ندارند». او همچنین به کسی که یکی از بدهکاران بزرگی اشاره کرد که هشت هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به شبکه بانکی بدهی دارد؛ درحالی‌که نه وثیقه کافی ارائه داده و نه کل دارایی‌اش کفش بازپرداخت این مبلغ را داشت. از اولین نفرات فهرستی که بانک مرکزی از ابیدهکاران خود ساخته بود و بیش از ۵۰۰ شخصیت حقیقی و حقوقی را شامل می‌شد، می‌توان به امیرمنصور آریا و بدهی سه‌هزارمیلیاردی آن در سال ۸۶ اشاره کرد. البته این ماجرا زمانی بود که هنوز اسامی‌ای مانند حسین هدایتی، ریخته‌کران و جهانبانی در پرونده هشت هزارمیلیاردی بانک سرمایه یا رسول دانیال‌زاده و بیش از ۸۶ و رسمی‌صفا با حدود هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی‌اش به کوش نخورده بود. در دهه ۹۰ در شبکه بانکی با عجایبی جدیدتر مواجه شدیم: از بانک ملت که برای ارائه ۲۲۰ میلیون درهم تسهیلات حتی کپی شناسنامه هم از فلاحتیان نگرفته بود تا بانک اقتصاد نوین که به‌دکهای سه‌هزار و ۲۰۰ میلیاردتومانی داشت؛ درحالی‌که کل موجودی سرمایه بانک فقط هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان بود! اینها همه در حالی است که اکبرپاری دریافت وام حاتمی را مبلغ اندک به بانک‌ها مراجعه کرده باشد. می‌دانید که فرایند دریافت تسهیلات برای مردم عادی شکستن کردن رستم است؛ دشوار، زمان‌بر و همراه با ضمانت‌های سخت‌کیرانه. مدارکی که از شما طلب می‌شود و به عبارت بهتر موانعی که پیش پایتان می‌کذارند یکی، دوتا نیست. دست‌آخر هم در جورکردن موارد درخواستی بانک درمانده شده و راهی جز خواهش و تمنا از مسئولان بانک برایتان نمی‌ماند. فقط یک جمله می‌شنوید «شرمنده‌ام، بدون این مدارک کاری از ما ساخته نیست!». اما کمی آن‌طرف‌تر که خیلی هم دور نیست، افرادی بدون ارائه هیچ‌کونه وثیقه و ضمانت‌نامه لازم‌الاجرائی فقط با یک امضای دستی رئیس شعبه حاضر دارایی میلیاردی می‌شوند که قرار هم نیست هرکز به بانک بازکردانده شود. پای رابطه و رفاقت که به میان می‌آید، نه‌تنها بدون مدارک کارا دست خیلی‌ها برمی‌کیرد. بلکه مبالغ میلیارد تومانی اصلا قابلی هم ندارد. اکنون درحالی‌که شاخص نسبت مطالبات غیرجاری متوسط دنیا چهاردرصد است، مطابق با کزارش آذرماه سال ۹۸ بانک مرکزی، شاخص مذکور در اقتصاد ما حدود چهار برابر این متوسط بین‌المللی است که این مقدار برای برهم‌زدن تعادل در تمامی بازارهای موجود در کشور کفایت می‌کند. آزنجاکه بانک‌ها در سال‌های کذشته منظومه‌ای پیچیده از روابط را ایجاد کرده‌اند و به نظر می‌رسد بحران سازوکار فساد برایتان آنچه ما جزایی است که نمی‌توان آن را بیامد تاازآمدی تلقی کرد؛ بلکه بیشتر شبیه یک خصیصه ذاتی نظام بانکی کشور است. پنج کزارشی از بخش‌های مختلف برای بررسی و آسیب‌شناسی نظام بانکی در این بخش دعوت شدند تا دیدکاه خود را درباره سستی چارچوب‌های این نظام و بررسی تیرساخت‌های نظارتی برعملکرد شبکه بانکی بیان کنند. ضمنا روزنامه «شرق» برای انجام ساماندهی خود در نامه‌ای از بانک مرکزی درخواست کرد تا امکان دسترسی به اطلاعاتی درباره فهرست بدهکاران و جزئیاتی مربوط به تمام بدهی‌ها و معوقات بانکی فراهم شود؛ اما متاسفانه نه‌تنها نه تن پاسخ این پرونده عجیب مطلع اطلاعاتی دراین‌باره از سوی بانک مرکزی ارائه نشده است.

میثم خسروی، کارشناس مرکزپژوهش‌های مجلس

قانون ناظر بر وثایق نداریم

برخی همواره انتشار فهرستی از بدهکاران بانکی را لازم می‌دانستند در حالی که برخی دیگر معتقد بودند بهتر است به جای تمرکز بر انتشار اسامی به ایجاد مطالبه عمومی جهت اصلاح سیستمی پرداخت که به فساد منجر شد. شما انتشار اسامی را لزامی می‌دانید؟

منطقی در بانکداری وجود دارد تحت عنوان ریسک تمرکز و آن این است که در بانک نباید بیش از حد به یک ذی‌نفع واحد تسهیلات بدهند. در صورت‌های مالی بانک‌ها ادبیاتی داریم که به آن تسهیلات کلان می‌گوییم. افرادی که از خود بانک‌ها هستند؛ یعنی یا سهام‌دار هستند یا زیرمجموعه خود بانک‌ها. آزانها وثیقه خوبی مطالبه نمی‌شود و بدون هیچ مشکلی تسهیلات دریافت می‌کنند.

به نظرشما چرا از سال ۸۴ و در دوران آقای احمدی‌نژاد که اتفاقا قرار بود جلوی فساد بانکی را بگیرد، حجم معوقات ما بعد از ۸۰ سال ثبات روی هفت هزار میلیارد تومان، یک‌دفعه چندین‌برابر شد؟

در بحث افزایش معوقات بانکی دو نکته اساسی را باید در نظر داشت: اول اینکه از زمانی که بانک‌های خصوصی ایجاد شدند که پیکسان‌ها هم سال‌های ۸۴ به بعد بوده. در کنار ایجاد این بانک‌ها زیرساخت‌های نظارتی نداشتیم. پس طبیعتا این بخش‌ها بدون ضوابط اعتباری تسهیلات‌دهی کردند؛ برای مثال همین بانک اقتصاد نوین که سال گذشته بیش از سرمایه خود تسهیلات بدهد. نخستین بانک خصوصی بود یا بانک سرمایه که هنوز هم پرونده آن بسته نشده. یک بانک خصوصی، وقتی بدون زیرساخت نظارتی پیش برویم، طبیعتا بانک خصوصی هم شروع به دادن تسهیلات به زیرمجموعه‌های خود و تسهیلات‌دهی بر مبنای روابط می‌کند. ریسک اعطای این تسهیلات بسیار بالاست. در آخر همه اینها به تسهیلات معوق تبدیل می‌شوند. نکته دومی که در تحلیل باید به آن توجه کرد این است که حدودا از سال ۸۹ و ۹۰ که صورت‌های مالی بانک‌ها اصلاح شدند، بانک‌ها کمی شفاف‌تر شدند. ضمنا نکته‌ای انحرافی در تحلیل تسهیلات‌دهی وجود دارد و آن درباره تسهیلات تکلیفی است. من به‌شدت قبول دارم که نباید تسهیلاتی به بانک‌ها تحمیل شود. چراکه در این حالت با تکیه بر منابع بانک‌ها اجرا توزیع می‌شود، اما برخی این تسهیلات تکلیفی را عامل اصلی شکل‌کیری مطالبات غیرجاری در بانک‌ها معرفی می‌کنند. درحالی‌که تسهیلاتی که دولت از بانک‌ها دریافت کرده است یا تسهیلاتی که با تضمین بخش‌های دولتی داده می‌شود اکنون در سرفصل مطالبات از دولت نشسته است. پس این دو را یکدیگر جدا هستند؛ مطالبات از دولت که درواقع تسهیلات اعطایی به اشخاص دولتی حدود هشت درصد ترازنامه بانک‌ها را تشکیل می‌دهند. نکته دوم اینکه اساسا بانک‌های دولتی ما مثلا بانک‌های تخصصی دولتی ما بعضا بانک‌های خاص دولتی ما در مقایسه با بانک‌های غیردولتی نسبت مطالبات غیرجاری‌شان بالاتر نیست. اتفاقا در بانک‌هایی که دولتی کاری با آنها ندارد و تسهیلات تکلیفی به آنها تحمیل نکرده، وضعیت مطالبات غیرجاری به مراتب بدتر است.

برخی‌ها در پرونده‌های بدهکاران کلان از آنها وثایقی دریافت شده که هیچ تناسبی با میزان تسهیلات آنان ندارد یا حتی دربرخی موارد شاهد بودیم بانکی سه‌برابر سرمایه خود تسهیلات دریافت کرده است. واقعا طی چه فرایندی پرداخت می‌شود که ضوابط تا این اندازه زیرپا گذاشته می‌شود؟

برای برخی با روابطی که دارند اصلا هیچ ضوابطی در تسهیلات‌دهی معنا ندارد. ما درباره این صحبت می‌کنیم که چه ضوابطی برای بانک‌ها وجود نداشته است. این در حالی است که عده‌ای اساسا هیچ نیازی به این ضوابط ندارند و کارشان را تماما با روابط پیش می‌برند. ریشه این معضل برمی‌کردد به اینکه زیرساخت‌های جلوکیری از فساد را تامین کرده‌ایم.

عملکرد نظارتی بانک مرکزی را در نظارت و مهار تسهیلات‌دهی بی‌ضابطه در دو دهه اخیر چطور ارزیابی می‌کنید؟

بانک نباید نهاد خلق‌کننده پول. نهادی که قادر است بدون تجهیز منابع، تأمین مالی کند. وقتی چنین نهادی در اختیار مجموعه‌ای از شرکت‌ها، بانک‌ها و نظارت نهاد پول هم‌سطح باشد، هیچ جای تعجبی ندارد که سهام‌داران بانک حداکثر استفاده را از قدرت خلق پول که در اختیارشان قرار کرفته است، بکنند. نهاد ناظر اگر بخواهد شرایط را بدون دخالت داشته باشد، باید بداند که بانک‌ها قدرت خلق پول را در چه جهتی برای چه اهدافی استفاده می‌کنند و برای چه بخش‌هایی در حال خلق پول هستند؟

اساسی‌ترین مشکلات نظارتی کدام‌اند؟

این نظارت چنند لایه دارد. اول اینکه استانداردهای نظارتی شفاف، روشن و پیشرفته داشته باشیم. استانداردهای بین‌المللی نظام بانکی بسیار منهجور و معلوم است. بال ۱، بال ۲، بال ۳. وقتیت این کسانی که نظام بانکی ما تا همین بال ۲، بال ۲.۵ سال پیش استانداردهای نظارتی مطابق با بال ۱ را اجرا می‌کرد. اتحه حتی در برخی زمینه‌ها بال ۱ را هم اجرا نمی‌کرد. درحالی‌که اجرای بال ۱ در چهان اولیه دهه ۹۰ صورت می‌کرفت؛ بنابراین استانداردهای نظارتی ما شدیدا عقب‌افتاده است. مثلا درباره نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها، اینکه بانک‌ها سرمایه‌ساز را چطور باید محاسبه کنند و حداقل سرمایه‌ای که بانک باید داشته باشد، چه میزان است. مسلما این مسئله باید برای بانک‌های بزرگ با کوچک متفاوت باشد یا مثلا برای مطالبات غیرجاری چه میزان باید ذخیره‌کیری انجام شود و اساسا مطالبات غیرجاری چطور شناسایی شوند. ما باید مطالباتی را که بازنکشته، به‌عنوان وام سررسید کذشته لحاظ کنیم یا مشکوک‌الوصول؟ یا چه میانی الزامی ایجاد کنیم تا بانک‌ها و مشکوک‌الوصول را از ترازنامه‌ها حذف کند یا ذخیره‌کیری بانک‌ها را افزایش ایجاد دهد. این موارد همه مقرارت نیاز دارند و این مقررات باید متناسب با پیچیدکی بانکداری خصوصی باشد؛ ولی متاسفانه از زمانی که ما بانکداری خصوصی را راه‌اندازی کردیم؛ یعنی بانک‌های خصوصی و رواکی کارشان را آورده و به آنان حق انتشار اوراق مشارکت دادیم، تازه می‌رسیم به دو دهه تسهیلات‌دهی بی‌ضابطه و رفاقتی. اولین فساد مالی که رسانه‌ای شد مربوط به دورانی است که می‌شد با ۱۷ هزار تومان ماشین خرید؛ بعضی ۱۲۳ میلیارد تومانی فاضل خداداد و مرتضی رفیق‌دوست برادر محسن رفیق‌دوست در سال ۷۰ اتفاق دهند بود. آن زمان هنوز سال‌های جامعه ایران به حکم‌مرسوم نبود که مطالبات بانک‌ها چندین سروکردن از سرمایه‌ها بیشتر باشد یا اینکه شنیده شود ابیدهکاران بانک‌ها سیاست‌های بانکی، سیاست‌های تعاونی و اعتباری و... اعمال نفوذ کنند. اوکجری این فساد‌ها به سال‌هایی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ برمی‌کرد. دوران ریاست‌جمهوری کسی که از اینا شعار مبارزه با فساد در شبکه بانکی می‌داد اسمش ابیدهکاران بانکی‌اش را هیچ‌وقت از جیبش بیرون نکشید هیچ. حجم معوقات بانکی را چندبرابر آنچه تحویل کرفته بود، تحویل داد. در سال‌های اخیر از پوسیان‌ها، نماینده مجلس شنیدیم که ظاهرا فردی ۳۰ هزار میلیارد تومان به شبکه بانکی داده است. سال ۹۵ هم وزیر اقتصاد با اشاره به فهرستی از ابیدهکاران بانکی گفت: «اشتباه نکنید! در لیست بدهکاران بانکی آقای باباک زنجانی (با سه‌برابر بدهی‌اش دلار بدهی) حضور ندارند». او همچنین به کسی که یکی از بدهکاران بزرگی اشاره کرد که هشت هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به شبکه بانکی بدهی دارد؛ درحالی‌که نه وثیقه کافی ارائه داده و نه کل دارایی‌اش کفش بازپرداخت این مبلغ را داشت. از اولین نفرات فهرستی که بانک مرکزی از ابیدهکاران خود ساخته بود و بیش از ۵۰۰ شخصیت حقیقی و حقوقی را شامل می‌شد، می‌توان به امیرمنصور آریا و بدهی سه‌هزارمیلیاردی آن در سال ۸۶ اشاره کرد. البته این ماجرا زمانی بود که هنوز اسامی‌ای مانند حسین هدایتی، ریخته‌کران و جهانبانی در پرونده هشت هزارمیلیاردی بانک سرمایه یا رسول دانیال‌زاده و بیش از ۸۶ و رسمی‌صفا با حدود هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی‌اش به کوش نخورده بود. در دهه ۹۰ در شبکه بانکی با عجایبی جدیدتر مواجه شدیم: از بانک ملت که برای ارائه ۲۲۰ میلیون درهم تسهیلات حتی کپی شناسنامه هم از فلاحتیان نگرفته بود تا بانک اقتصاد نوین که به‌دکهای سه‌هزار و ۲۰۰ میلیاردتومانی داشت؛ درحالی‌که کل موجودی سرمایه بانک فقط هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان بود! اینها همه در حالی است که اکبرپاری دریافت وام حاتمی را مبلغ اندک به بانک‌ها مراجعه کرده باشد. می‌دانید که فرایند دریافت تسهیلات برای مردم عادی شکستن کردن رستم است؛ دشوار، زمان‌بر و همراه با ضمانت‌های سخت‌کیرانه. مدارکی که از شما طلب می‌شود و به عبارت بهتر موانعی که پیش پایتان می‌کذارند یکی، دوتا نیست. دست‌آخر هم در جورکردن موارد درخواستی بانک درمانده شده و راهی جز خواهش و تمنا از مسئولان بانک برایتان نمی‌ماند. فقط یک جمله می‌شنوید «شرمنده‌ام، بدون این مدارک کاری از ما ساخته نیست!». اما کمی آن‌طرف‌تر که خیلی هم دور نیست، افرادی بدون ارائه هیچ‌کونه وثیقه و ضمانت‌نامه لازم‌الاجرائی فقط با یک امضای دستی رئیس شعبه حاضر دارایی میلیاردی می‌شوند که قرار هم نیست هرکز به بانک بازکردانده شود. پای رابطه و رفاقت که به میان می‌آید، نه‌تنها بدون مدارک کارا دست خیلی‌ها برمی‌کیرد. بلکه مبالغ میلیارد تومانی اصلا قابلی هم ندارد. اکنون درحالی‌که شاخص نسبت مطالبات غیرجاری متوسط دنیا چهاردرصد است، مطابق با کزارش آذرماه سال ۹۸ بانک مرکزی، شاخص مذکور در اقتصاد ما حدود چهار برابر این متوسط بین‌المللی است که این مقدار برای برهم‌زدن تعادل در تمامی بازارهای موجود در کشور کفایت می‌کند. آزنجاکه بانک‌ها در سال‌های کذشته منظومه‌ای پیچیده از روابط را ایجاد کرده‌اند و به نظر می‌رسد بحران سازوکار فساد برایتان آنچه ما جزایی است که نمی‌توان آن را بیامد تاازآمدی تلقی کرد؛ بلکه بیشتر شبیه یک خصیصه ذاتی نظام بانکی کشور است. پنج کزارشی از بخش‌های مختلف برای بررسی و آسیب‌شناسی نظام بانکی در این بخش دعوت شدند تا دیدکاه خود را درباره سستی چارچوب‌های این نظام و بررسی تیرساخت‌های نظارتی برعملکرد شبکه بانکی بیان کنند. ضمنا روزنامه «شرق» برای انجام ساماندهی خود در نامه‌ای از بانک مرکزی درخواست کرد تا امکان دسترسی به اطلاعاتی درباره فهرست بدهکاران و جزئیاتی مربوط به تمام بدهی‌ها و معوقات بانکی فراهم شود؛ اما متاسفانه نه‌تنها نه تن پاسخ این پرونده عجیب مطلع اطلاعاتی دراین‌باره از سوی بانک مرکزی ارائه نشده است.

احمد مجتهد، رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی

سیستم زدوبندی در نظام بانکی

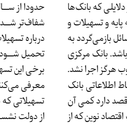

به نظر شما علت افزایش تعداد و حجم بدهی بدهکاران بانکی در دو دهه اخیر به چه بوده است؟ چرا هرچه پیش می‌رویم، وضعیت از این نظر بدترمی‌شود؟

نکته‌ای که باید در نظر داشت، این است که کاهشی از رقم‌های تسهیلاتی که بچومی به نظر می‌رسد، ناشی از کاهش ارزش پول ملی ماست؛ برای مثال وارد کردن‌های برای واردات مواد اولیه‌اش یک میلیون بود دریافت می‌کرد و واردات انجام می‌داد. این رقم چهار سال پیش چیزی حدود چهار هزار میلیارد تومان بود. اما درحال‌حاضر ۱۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. از این نظر که به نظر می‌رسد رقم تسهیلات بسیار بزرگ است. البته باید توجه کرد که متاسفانه برای افراد با زدوبند و ارتباطات نامعقول و غیراصولی مبلغ به دریافت تسهیلاتی می‌شوند که در شرایط عادی امکان دریافت آن وجود ندارد. این قضیه را باید مقوله‌ای جداکانه در نظر کرفت؛ مثل اتفاقی که برای بانک سرمایه افتاد. واضح است که این کار با زدوبند و ارتباطات خاص صورت کرفته و این مسئله درباره برخی موارد خاص که اخیرا هم پرونده‌شان در داداکاه‌ها است، تکرار شده. زدوبند و پشتیبانی خاص از سوی برخی مقامات در این پرونده‌ها حرف اول را می‌زند و همین اقدامات اجازه نداده که بانک‌ها کارشان را به صورت درست انجام دهند.

در برخی موارد، در پرونده‌های بدهکاران کلان از آنان وثایقی دریافت شده که هیچ تناسبی با میزان تسهیلات آنان ندارد یا حتی دربرخی موارد شاهد بودیم بانکی سه‌برابر سرمایه خود تسهیلات دریافت کرده است. واقعا در چه فرایندی پرداخت می‌شود که ضوابط تا این اندازه زیرپا گذاشته می‌شود؟ فکرمی‌کنید اساسا نقض در کدام قسمت سیستم بانکی موجب تسهیلات‌دهی بی‌ضابطه می‌شود؟

وظیفه بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر این است که اطلاعات مربوط به بدهکاران بانکی و افرادی را که به‌هی معوق دارند، در اختیار بانک‌ها قرار دهد تا آنها بتوانند برای اعتبارسنجی مشتریان از این اطلاعات استفاده کنند. این اقدام چند سالی است که در بانک‌ها انجام می‌شود؛ اما الانکی نیست و اقرار هم نمی‌کنند. اما نباید دچار این تصور شد که در بانک‌ها اطلاعاتی وجود ندارد. به‌صورت کلی و دقیق و اگر سیستم‌های نظارتی در کرفتن‌شدن بدهی‌ها به‌شدت پایین می‌آمد. ضمن اطلاع دارم که در یکی از بانک‌ها واکهی‌ندهای بیش از سیستم‌ها استفاده شده است. همه مسائل بازمی‌کردد به برده تا بدهی‌هایش را